

تحلیل کنش‌های گفتاری وصیت‌نامه شهید سید اسدالله مدنی بر اساس مدل جان سرل

محمدجواد هراتی^۱

چکیده

هدف: این پژوهش در نظر دارد تا کنش‌های گفتاری در وصیت‌نامه شهید محراب سید اسدالله مدنی را مورد واکاوی قرار دهد و تلاش دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که بر مبنای کنش‌های گفتاری سرل، وصیت‌نامه شهید مدنی از چه کنش‌هایی برخوردار می‌باشد و بسامد هر کنش به چه میزان است. **روش‌شناسی پژوهش:** این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش کمی و کیفی بررسی و تحلیل شده است. **یافته‌ها:** از بین ۴۱ کنش گفتاری، بیشترین کنش گفتاری در وصیت‌نامه شهید مدنی با ۶۵/۸۵ درصد مربوط به کنش‌های اظهاری است. همچنین در وصیت‌نامه ایشان هشت مورد معادل ۱۹/۵۱ درصد کارگفت‌ها، کارگفت‌های ترغیبی هستند. ۱۴/۶۳ درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص دارد. **نتیجه‌گیری:** همچنین لازم به ذکر است کنش تعهدی (کنش گفتاری که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند) و کنش اعلامی (کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود) در وصیت‌نامه شهید مدنی دیده نشد.

کلیدواژه‌ها: نظریه کنش گفتاری، جان سرل، وصیت‌نامه، شهید مدنی.

مقدمه

محور مطالعات فلسفی در قرن بیستم، دست کم در کشورهای انگلیسی زبان، تحلیل زبان و مفاهیم است؛ یعنی همان جریان و نهضتی که از آن به فلسفه تحلیلی تعبیر می‌شود. مطالعه و تحقیق درباره زبان دست کم از دو جهت برای انسان مهم و جذاب است: اول این که زبان یکی از مهم‌ترین وجوه و شاید تنها وجه مهم امتیاز انسان از سایر موجودات است. دوم این که بسیاری از خطاهای فکری انسان از کج‌تابی‌ها، استفاده سوء و سوء استفاده از زبان ناشی می‌شوند. اگر چه بعضی از فیلسوفان تحلیلی در اهمیت زبان برای حلّ معضلات فلسفی مبالغه کردند و در عمل تلاش‌های خوش بینانه‌ی آنان برای منحل کردن مسائل فلسفی و اعلام پایان فلسفه به شکست منتهی شد، با این حال، شکی نیست که مطالعه فلسفی درباره زبان، آثار و نتایج بسیاری برای بشر داشته است (عبداللهی، ۲۰۰۵: ۹۲).

نظریه افعال گفتاری را نخستین بار به‌عنوان یک نظریه فلسفی جان آستین فیلسوف تحلیلی و استاد کرسی فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد عرضه کرد. این نظریه در واقع نظریه‌ای است درباره تحلیل و طبقه‌بندی و تبیین ساختار منطقی افعال گفتاری. به‌عبارت دیگر نظریه افعال گفتاری عبارت است از تحلیل و طبقه‌بندی و تبیین ساختار منطقی اظهارات زبانی، از آن جهت که فعل ارادی و قصدی انسان است. هدف این نظریه ارائه تحلیل جامع از نحوه ارتباط زبان با عالم خارج است و در نهایت به این پرسش اساسی در حوزه فلسفه زبان پاسخ می‌گوید که چگونه می‌توان از یک سلسله پدیده‌های طبیعی نه چندان پیچیده، همچون خروج اصوات از دهان یا ایجاد نشانه‌ها بر کاغذ، به یک سلسله اوصاف معنا شناختی عجیب چون: معناداری، بی‌معنایی، صدق، حکایت، حمل و ارتباط با عالم خارج دست یافت (عابدینی، ۲۰۲۰: ۴۷).

بر این اساس، عمل گفتاری نوعی عمل است که می‌تواند توسط گوینده انجام شود به این معنی که شخص در حال انجام آن است. این برداشت هنوز استعفا، وعده، ادعا و درخواست را به‌عنوان عمل گفتار به حساب می‌آورد، در حالی که قانع کردن، توهین و زمزمه را رد می‌کند. این تعریف امکان انجام گفتار بدون کلام، و همچنین انجام گفتار را بدون گفتن این که شما چنین کاری انجام می‌دهید، باز می‌گذارد^۱

از این رو این پژوهش در نظر دارد تا نظریه کنش گفتاری را در جهت تحلیل متن وصیت‌نامه شهید محراب آیت‌الله سید اسدالله مدنی به کار گیرد و در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که بر مبنای کنش‌های گفتاری سرل^۲ وصیت‌نامه شهید از چه کنش‌هایی برخوردار بوده است و بسامد هر کنش به چه میزان است؟

1. <https://plato.stanford.edu/entries/speech-acts/>

2. Searle

پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت موضوع کنش‌های گفتاری در وصایای علما، شهدا و عرفا و فقها و...، تاکنون مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. البته برخی پژوهش‌های انجام شده بی‌ارتباط با کنش‌های گفتاری در وصایای امام و شهید سلیمانی نیست که موارد ذیل را می‌توان برشمرد.

تحلیل کنش‌های کلامی وصیت‌نامه‌ی امام خمینی (ره) بر اساس مدل سرل و آستین از ابراهیم توبه یانی سید عبدالمجید طباطبایی لطفی روح‌الله رضایی، علوم سیاسی (باقرالعلوم) سال بیست و دوم تابستان ۱۳۹۸ شماره ۸۶: هدف پژوهش حاضر تحلیل زبان شناختی وصیت‌نامه امام خمینی (ره) بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل و آستین بوده و درصدد پاسخ به این سؤال بود که بر مبنای نظریه‌ی کنش‌های گفتاری سرل و آستین، وصیت‌نامه‌ی مذکور از چه کنش‌هایی برخوردار بوده و بسامد هر کنش به چه میزان است؟ بررسی و مقایسه‌ی کنش‌های گفتاری در ۱۲ فراز وصیت‌نامه نشان داد که کنش‌های اظهاری و ترغیبی، بیشترین فراوانی را در وصیت‌نامه دارند. امام خمینی (ره) از مجموع ۲۳۵ مورد «کنش گفتاری»، بیشتر از فعل‌های کارگفتی اظهاری و ترغیبی استفاده نموده‌اند تا بر اهمیت و جایگاه نظام جمهوری اسلامی ایران نزد خوانندگان تصریح نمایند و با بهره گرفتن از افعالی در قالب کنش ترغیبی، از طریق روحیه‌دهی، هشدار، توصیه و توضیح، خوانندگان وصیت‌نامه را نسبت به ابعاد مختلف ترفندهای استکباری و هدف‌های آنان هوشیار نمایند.

مقاله تحلیل کنش‌های گفتاری وصیت‌نامه شهید سپهبد قاسم سلیمانی، سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، مقاله ۵۶، دوره ۲، دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب - شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۹، صفحه ۱-۳۰ از محمد حسین کاشکولی؛ اصغر اسلامی تنها. که نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بیشترین بسامد مربوط به کنش‌های اظهاری و ترغیبی است که شهید سلیمانی برای توصیف وضعیت موجود جهان و ضرورت‌های مسئولیت‌پذیری همگان برای حمایت از ولایت فقیه و نظام اسلامی صورت‌بندی کرده است.

مباحث نظری

وصیت‌نامه

وصیت‌نامه در لغت‌نامه دهخدا چنین تعریف شده است که [وَصِي يَمْ / مَ] (مَرَكِب) سفارش‌نامه. (از ناظم الاطباء). اندرزنامه. نامه‌ای که در آن وصیت شخصی نویسد و مهر و امضاء کنند تا وصی پس از مرگ او از روی آن نامه عمل کند^۱. وصیت‌نامه‌ها نیز بخشی از کنش‌های گفتاری هستند که به عمد و برای بیان هدف و مقصودی توسط گوینده یا نویسنده بیان می‌شوند. در تعریف وصیت‌نامه آمده است که: وصیت عمل حقوقی است که به موجب آن وصیت‌کننده (موصی) به‌طور مستقیم یا به‌واسطه‌ی دیگری در اموال یا حقوق

1. <https://www.vajehyab.com/dehkhoda>

خود برای بعد از مرگ تصرف می‌کند. موصی به کسی گفته می‌شود که اقدام به وصیت تملیکی یا عهدی می‌کند و داشتن اهلیت که شامل بلوغ، عقل، اختیار، رشد، افلاس و ورشکستگی و مستی و بیهوشی است، شرط شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی امور فرهنگی قوه قضاییه: تاریخ انتشار چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۷ ساعت ۱۲:۰۰). وصیت‌نامه شهید آیت‌الله مدنی از نوع وصیت‌نامه‌های خودنوشت است: وصیت‌نامه خودنوشت به خط وصیت‌کننده است و دارای تاریخ به روز، ماه و سال به همراه امضای وصیت‌کننده است.

نظریه کنش گفتاری جان سرل

جان سرل یکی از فیلسوفان سرشناس معاصر در عرصه فلسفه ذهن و زبان سرل به اقتضای تعالیمی که در آکسفورد زیر نظر فیلسوفان زبان دیده بود، مطالعات خود را معطوف به مباحث فلسفی زبان، به‌ویژه رابطه زبان و ذهن کرد و در سال ۱۹۶۹ مهم‌ترین کتاب خود را با عنوان افعال گفتاری (speech acts) منتشر کرد. سرل در این کتاب تبیین جامع و نظام‌مندی از نظریه افعال گفتاری به دست داد و روشن ساخت که نظریه یاد شده به کدام حوزه‌ی معرفتی تعلق دارد و برای اثبات مدعیات خود از چه روشی بهره می‌برد، مبادی و مبانی آن چیست و چه لوازم و نتایجی را می‌توان از آن استخراج کرد (عبداللهی، ۲۰۰۵: ۹۸-۹۹). مدعای اصلی نظریه افعال گفتاری این است که تحلیل ارتباط زبانی بدون توجه به این که سخن گفتن نوعی فعل قاعده‌مند است، ممکن نیست. سرل نکته مذکور را چنین توضیح داده است: واحد ارتباط زبانی آن‌گونه که عموماً فرض شده نشانه، واژه، یا جمله یا حتی مصداق نشانه، واژه یا جمله نیست، بلکه ایجاد یا صدور نشانه یا واژه یا جمله در انجام فعل گفتاری است. تلقی یک مصداق به‌عنوان یک پیام تلقی آن به‌عنوان مصداقی ایجاد شده یا صدور یافته است. به بیان دقیق‌تر، ایجاد یا صدور مصداق جمله تحت شرایط خاص یک فعل گفتاری است و افعال گفتاری واحدهای بنیادین یا کوچک‌ترین واحدهای ارتباط زبانی‌اند (سرل، ۱۹۶۹: ۱۶).

پایه تحلیل در نظریه افعال گفتاری، فعل نهفته در سخن است و مراد از آن، فعلی است که در ضمن و در حین استعمال الفاظ صورت می‌گیرد. فعل نهفته در سخن نیز خود دارای دو مؤلفه است: ۱. بار نهفته در سخن (بار محتوایی جمله) که مشخص‌کننده نوع فعل نهفته در سخن است. امر، نهی و پوزش همه فعل نهفته در سخن‌اند و تفاوت آنها در نوعشان است. محتوای قضیه‌ای که بار نهفته در سخن به آن تعلق می‌گیرد آنچه در خصوص طبقه‌بندی افعال زبانی مهم است، بار نهفته در سخن است (illocutionary forc) (عابدینی، ۲۰۲۰: ۴۹) سرل کنش گفتار را واحد پایه معنا قلمداد می‌کند. وی کنش‌های گفتاری را به پنج دسته تقسیم می‌کند: کنش بیانی، کنش ترغیبی (انشایی)، کنش تعهدی، کنش عاطفی و کنش اعلامی.

کنش اظهاری (assertive)

یک دسته از کارگفت‌ها، کارگفت‌های اظهاری هستند. در این کارگفت‌ها گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. این کارگفت‌ها تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره مطرح شده نشان می‌دهند. کارگفت‌های اظهاری، محتوای گزاره‌ای را با جهان خارج و محیط مطابقت داده، باورهای گوینده را نشان می‌دهند. نمونه بارز این دسته از کارگفت‌ها را می‌توان در پاره‌گفتارهایی مشاهده کرد که بر نکته‌ای تأکید می‌کنند یا به نتیجه‌گیری از نکته‌ای می‌پردازند (صفوی، ۲۰۰۸: ۱۷۷). نکته اصلی در این طبقه آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را به درجات مختلف، متعهد به صدق قضیه بیان شده می‌کند. کسی که می‌گوید «علی آمد» در واقع باور خود را به آمدن علی ابراز کرده است. این نوع افعال گفتاری بیانگر واقعیت یا وضع اموری در جهان بوده، جهت انطباقشان واژه جهان است و از این رو بهترین راه تشخیصشان این است که ببینیم آیا قضیه اظهار شده صدق و کذب‌پذیر هستند یا نه (عابدینی، ۲۰۲۰: ۵۲).

برخی از افعالی که نشان دهنده کنش‌ها یا کارگفت‌های اظهاری هستند، عبارت‌اند از: ادعا کردن، اظهار کردن، اعطا کردن، شرح دادن، بحث کردن، اعتراض کردن، گفتن، معرفی کردن، گزارش دادن، نسبت دادن، بیان کردن، واگذار کردن، تأیید کردن، تکذیب کردن، دلیل آوردن، تصحیح کردن، تفسیر کردن، نفی کردن، ابراز کردن، آغاز کردن یک عمل، اثبات کردن، التماس کردن، اعلان کردن، پاسخ دادن، تغییر فعالیت دادن، توصیف کردن، دست‌بندی کردن، دفاع کردن، رها کردن، محدود کردن، مطمئن بودن، نقد کردن. همچنین برخی از ابزارهای تسهیل شناخت کارگفت‌های اظهاری عبارت‌اند از: من اظهار می‌کنم که، من تأیید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که، من اثبات می‌کنم که، من نفی می‌کنم که، من می‌گویم که (اصطهباناتی، ۲۰۰۷: ۱۰).

کنش تحریکی یا ترغیبی (directives)

هدف از کارگفت‌های ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است. ویژگی این طبقه از افعال گفتاری آن است که گوینده با انجام دادن آنها شنونده را به کاری وامی‌دارد؛ مانند امر و نهی و درخواست. جهت انطباق در این نوع قضایا جهان با واژه است؛ یعنی آنها ایجاد می‌کنند، زیرا گوینده از مخاطب خود می‌خواهد محتوای گفتار او را در خارج محقق سازد. محتوای قضیه اظهار شده در این دسته از افعال گفتاری همواره این است که شنونده کاری را در آینده انجام می‌دهد (عابدینی، ۲۰۲۰: ۵۲).

مثال‌های زیر کارگفت‌های ترغیبی را نشان می‌دهد:

۳) از شما سؤال می‌کنم آیا در شب حادثه از خانه خارج شده‌اید یا نه؟

۴) از شما استدعا می‌کنم به صحبت‌های متهم توجه کنید.

دو نمونه بالا به ترتیب با پرسش و درخواست شریطی را پدید می‌آورند که مخاطب را ترغیب به انجام کاری می‌کنند. در نمونه اول مخاطب ملزم به پاسخ‌گویی و در نمونه دوم مجبور به توجه کردن می‌شود (صفوی، ۲۰۰۸: ۱۷۸).

این نوع کارگفت را با افعال زیر می‌توان نشان داد: تقاضا کردن، اجازه دادن، اصرار کردن، پافشاری نمودن، التماس و تمنا کردن، اخطار دادن، اعلان نیاز کردن، القاء کردن، بازخواست کردن، به مبارزه طلبیدن، بی‌توجهی کردن، پند دادن، پیشنهاد کردن، تجویز کردن، تکرار کردن، توصیه کردن، توضیح خواستن، درخواست کردن، دستور دادن، دعوت کردن، سؤال کردن، شرط کردن، گدایی کردن، هشدار دادن، نصیحت کردن. برخی از ابزارهای تسهیل شناخت کارگفت ترغیبی عبارت‌اند از: من اخطار می‌کنم که، من اجازه می‌دهم که، من به ... نصیحت می‌کنم که، من پیشنهاد می‌کنم که، من تقاضا می‌کنم که، من تکرار می‌کنم که، من توصیه می‌کنم که، من دستور می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که، من سؤال می‌کنم که، من هشدار می‌دهم که (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۷).

کنش التزامی یا تعهدی (commissives)

هدف و نکته اصلی در این کارگفت آن است که گوینده با اظهار جمله، خود را (با درجات متفاوت) برای انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌کند. وعده‌ها و عهده‌ها و تهدیدها از این دسته‌اند. جهت انطباق در این طبقه جهان با واژه است. محتوای قضیه‌ای در این نوع از افعال گفتاری این است که گوینده با ذکر عباراتی نظیر قول دادن، تهدید کردن و مانند آن متعهد می‌شود که در آینده کاری را انجام بدهد (عابدینی، ۲۰۲۰: ۵۲). نمونه‌های زیر مثال‌های بارزی از کارگفت‌های تعهدی‌اند:

(۵) قول می‌دهم که درس بخوانم.

(۶) قسم می‌خورم دیگر با کسی دعوا نکنم.

برخی از افعال کنش تعهدی از این قرار است: تعهد دادن، تقدیم کردن، ضمانت کردن، بیان موافقت کردن، داوطلب شدن، قسم خوردن، قول دادن، متعهد شدن و غیره. از ابزارهای تسهیل شناخت کنش تعهدی می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد: من تعهد می‌دهم که، من قسم می‌خورم که، من قول می‌دهم که، من دعوت می‌کنم که (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۷).

کنش ابرازی یا عاطفی (expressives)

کارگفت‌های عاطفی کنش‌هایی هستند که در آنها حالت روحی و روانی و احساسات گوینده بیان می‌شود. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی کردن، تشکر کردن، عذرخواهی کردن، تبریک گفتن، ناسزا گفتن و مانند آن بیان می‌دارد. هدف نهفته در این طبقه عبارت است از ابراز حالت روان شناختی خود درباره وضعیت که در محتوای قضیه معین شده است، مانند تشکر کردن، پوزش خواستن و تبریک گفتن. وقتی به کسی می‌گویید: «بابت کمکتان از شما تشکر می‌کنم» در واقع رضایت یا خوشحالی خود را از کمک

کردن وی ابراز می‌کنید. افعال ذیل نشان دهنده کارگفت‌های عاطفی هستند: خشنود شدن، خشمگین شدن، تبریک گفتن، سلام کردن، اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تردید داشتن، تشکر کردن، تسلیم شدن، تعجب کردن، تمجید کردن، تهدید کردن، دست انداختن، دشنام دادن، شکایت کردن، شوخی کردن، عصبانی شدن، مسخره کردن، فرضیه داشتن، بیان آرزو کردن، احترام گذاشتن، متضمن چیزی بودن، معذرت خواستن، ناامید شدن، دلسرد شدن، سپاسگزاری کردن، ناسپاسی کردن. برخی از عباراتی که نشان دهنده کارگفت‌های عاطفی هستند از قرار زیرند: من تبریک می‌گویم که، من تردید دارم که، من پیش‌بینی می‌کنم که، من تشکر می‌کنم که، من تعجب می‌کنم که، من تهدید می‌کنم که، من خشنود هستم که، من فرض می‌کنم که، من معذرت می‌خواهم که (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۸).

کنش اعلامی یا اعلانی (declarations)

کارگفت اعلامی، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود تغییرات جدید را ایجاد می‌نماید. این کنش بر انطباق زبان و جهان خارج استوار است و زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت بیان اتفاقات جدید را داشته باشد. مشخصه این دسته از افعال گفتاری آن است که انجام دادن موفق آنها موجب مطابقت میان محتوای قضیه اظهار شده و واقعیت می‌شود. مثلاً اگر یک مقام مسئول کسی را به‌عنوان رئیس شرکتی منصوب کند انجام دادن صحیح این فعل گفتاری، یعنی صرف اعلان رئیس بودن او، موجب رئیس شدن او می‌شود، یا اگر فرمانده اعلان جنگ کند همین اعلان موجب آغاز جنگ خواهد شد، یعنی با اظهار جمله «بدین وسیله اعلان جنگ می‌کنم» وضعیت جدیدی در جهان ایجاد می‌شود که عبارت است از آغاز جنگ؛ بنابراین در طبقه اعلان‌ها، در حقیقت، واقعیت را تغییر می‌دهیم تا با محتوای قضیه‌ای فعل گفتاری تطبیق کند. بدین سان جهت تطابق جهان با واژه به دست می‌آید، این کار صرفاً به‌واسطه اعلان و اظهار این که جهان این گونه است، انجام می‌شود. از این رو جهت تطابق واژه با جهان نیز در آنها وجود دارد؛ بنابراین اعلان‌ها دارای جهت انطباق دو سویه‌اند (عابدینی، ۲۰۲۰: ۵۳). برخی از افعال کنش اعلامی از این قرار است: اعلام کردن، انتصاب کردن، اخراج کردن، به کار گماردن، نام گذاری کردن، عقد قرارداد کردن، آغاز کردن، از کار برکنار کردن و مانند آن. مهم‌ترین ابزار تسهیل شناخت این کنش عبارت «من اعلام می‌کنم که» است (کاظمی، ۲۰۱۴: ۱۹).

بافت و زمینه تاریخی وصیت‌نامه شهید سید اسدالله مدنی

یک کارگفت به وسیله مجموعه واژگان معین در یک بافت معین شکل می‌گیرد. نوع واژگان و بافت مورد نیاز نیز بر اساس قراردادهای زبانی و اجتماعی موجود میان کاربران زبان تعیین می‌شود. به‌طور مثال تفاوت میان کنش قول دادن و یا سوگند خوردن با مثلاً کنش عقد کردن در حالت پیش‌بینی و پس‌بینی حاکم بر گفتن پاره‌گفتارهای هر یک از این کنش‌هاست. اگر کسی پاره‌گفتار حاوی من قول می‌دهم و یا من سوگند می‌خورم را گوید این پاره‌گفتار خود حاوی کنش قول دادن و سوگند خوردن است. به عبارت دیگر

انجام کنش گفتن مساوی است با کنش قول دادن و سوگند خوردن. در حالی که در کنش عقد کردن معمولاً صرف گفتن واژگان افاده کنش مورد نظر را نمی‌کند، بلکه در اینجا کنش گفتن باید همراه با یک سری شرایط مقتضی برای تحقق کنش‌ها باشد. به‌عنوان نمونه گوینده این واژگان باید دارای یک جایگاه دینی - اجتماعی ویژه باشد، مخاطب این واژگان نیز اولاً باید دو نفر باشند و ثانیاً یکی مرد و دیگری زن باشد و ثالثاً به لحاظ جایگاه حقوقی و اجتماعی شرایط مقتضی برای ورود به این مخاطبه را داشته باشند. این شرایط مقتضی در مجموع باید در بافت یا موقعیت (situation) مخاطبه وجود داشته باشد. با این مثال به اهمیت بافت موقعیتی حاکم بر شکل‌گیری پی برد (صانع‌پور، ۲۰۱۱: ۲۹).

در این رویکرد هر یک از متکلم و مخاطب با مجموعه دانایی‌ها، باورها و پندارهای خود در باره: ۱- عناصر زمان، مکان و اجتماع؛ ۲- کنش‌های پیشینی، پسینی و در حال اجرا؛ ۳- آگاهی از نقش و جایگاه متکلم و مخاطب؛ ۴. آگاهی از موقعیت زمانی و مکانی مخاطبه، نوع و هویت رسانه و... روی هم بافت را تشکیل می‌دهند (همان: ۶۵).

بعضی بافت متن را همان زمینه تاریخی آن قلمداد کرده‌اند. از همین روی: گاه به «زمینه تاریخی» متن نه از آن جهت که در فهم متن مؤثر است، بلکه از آن جهت که در پیدایش و عناصر درونی و محتوایی متن مؤثر بوده است، نظر می‌شود. هر متن در یک مقطع زمانی و تاریخی خاص پدید آمده است و طبعاً یک بافت فرهنگی خاصی که آن زمان را احاطه کرده، در آن متن به شکلی حضور دارد (واعظی، ۲۰۰۱: ۲۸۶). از آنجا که معنای متن یا خطابه، بیشتر بر مدار قصد و اراده جدی متکلم استوار است: در نتیجه، همه شواهد تاریخی و قرائنی که مقطع صدور متن را احاطه کرده است، به شرط آن که ظهور ساز باشد یعنی در کشف مراد و مقصود مؤلف مؤثر افتد از زمره عوامل فهم متن به حساب می‌آید (همان: ۲۸۲).

در ابتدا متن وصیت‌نامه شهید مدنی را مطالعه و سپس به بافت تاریخی آن اشاره خواهیم نمود.

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الاول قبل الانشاء والاخر بعد فناء الاشياء وصلى الله على خلقه محمد و اوصيائه الاتقياء. اما بعد چون هیچ انسانی را از مرگ چاره نبوده دیر یا زود این شربت را نوشیده به لقاءالله جل جلاله فایز خواهد شد. آن وقت دستش از دنیا کوتاه و اگر در وصیت کوتاهی کرده باشد، ای بسا گرفتاری داشته باشد، لهذا این جانب میرا سداالله مدنی دهخوارقانی فرزند مرحوم مبرور مشهدی میر علی آقا مدنی طاب ثراه، اولاً خدای توانا و جمیع انبیا و مرسلین و ملائکه مقربین و مؤمنین را به شهادت می‌طلبم که ایمان به خدای توانا جل جلاله داشته، واحدی و موجودی را شریک او ندیده، حال و مقالم گویای ((لا اله الا الله الحق المبین)) است و همچنین معترف به رسالت و حاکمیت وجود مقدس رسول گرامی حضرت محمد بن عبدالله صلی‌الله علیه و آله بوده و جمیع آنچه را که آن بزرگوار از جانب پروردگار احدیت آورده تصدیق و اعتراف داشته، وجود مقدس مولی الموالی حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام را و صی بلافضل و امام واجب الطاعة و یازده فرزندش را یکی بعد از دیگری امامان برحق میدانم و انتظار

مقدم شریف حضرت حجة بن الحسن العسکری عجل الله فرجه را داشته، و امیدوارم به زودی چشممان به جمال مبارکش روشن شود.

مرگ و سؤال قبر و عالم برزخ و رجعت و بعثت در روز قیامت و میزان و صراط و بهشت و جهنم و کتب را حق دیده و امید به رحمت واسعه الهی دارم که در روز حشر، نامه اعمالم را به دست راستم بدهد؛ اما و صیتم، جمیع وراثت و دختران خودم را سفارش می‌کنم که خدا را فراموش نکرده و همیشه او را ناظر بر حال خود دیده و مثل من غافل نباشند. راجع به اموال، منزل نجف را خودم از سهم مبارک تهیه و ابدأ تملک نکرده‌ام (همچنین) منزل همدان را دوستان همدانی با امریه مرحوم مبرور سیدنا الاستاد حضرت آیت‌الله حکیم قدس سره از سهم مبارک تهیه نموده و در اختیار من گذاشته‌اند. پس هر دو منزل راجع به وجوه مقدس حضرت حجة ابن الحسن عجل الله تعالی فرجه بوده و به دستور حضرت آیت‌الله خمینی مدظله به مصرف مهم خواهد رسید و بنده ابدأ هیچ کدام از دو منزل را تملک نکرده و به‌عنوان اینکه سهم مبارک است، تصرفی کرده‌ام چنانچه در وصیت‌نامه قبلی تصحیح نموده‌ام تمام کتاب‌های موجود در نجف و قم (از سهم مبارک بوده و باید در یکی از کتابخانه‌های دینی عمومی نجف یا قم قرار داده شود. کتاب‌هایی که اخیراً در ایران تحصیل نموده‌ام به همین نحو است. مبلغ دویست و بیست هزار تومان بابت پول منزل تهران و قم به وجود مقدس حضرت بقیه‌الله (عج) قرض دار بوده و امیدوارم در حیاتم موفق به ادا بشوم و گرنه این مقدار قرض‌دار هستم و برای ورثه بدون ادا.

جمادی‌الاول ۱۳۹۶ هجری قمری اسدالله مدنی.

برای فهم بافت تاریخی وصیت‌نامه شهید مدنی باید به مواردی که در متن وصیت‌نامه اشاره شده است، رجوع کنیم. شهید مدنی در ابتدای وصیت‌نامه، خود را چنین معرفی می‌نماید «میر اسدالله مدنی دهخوارقانی فرزند مرحوم مبرور مشهدی میرعلی آقا مدنی طاب ثراه» دهخوارقان. [دخوا / خا] [اخ] قصبه مرکز بخش و دهستان دهخوارقان از شهرستان تبریز. در ۵۱ کیلومتری جنوب باختری تبریز در جلگه و مسیر شوسه مراغه تبریز واقع است. نام آن اکنون به آذر شهر تبدیل شده است (لغت‌نامه دهخدا). سید اسدالله مدنی در سال ۱۲۹۲ ش، در آذر شهر از توابع تبریز به دنیا آمد در چهار سالگی مادر و در ۱۶ سالگی پدر را که آقا میرعلی نام داشت از دست داد. علوم مقدماتی دینی را نزد میرزا محمد حسن منطقی و میرزا محسن میرغفاری از علمای آذر شهر آموخته و برای ادامه تحصیلات عازم حوزه علمیه قم شد. در ادامه همان‌طور که در متن وصیت‌نامه آمده است شهید مدنی به خانه در نجف اشاره کردند: «منزل نجف را خودم از سهم مبارک تهیه و ابدأ تملک نکرده‌ام». شهید مدنی در سال ۱۳۶۳ ق برای ادامه تحصیل، به نجف مهاجرت کرد و در دروس سید محسن حکیم و سید عبدالهادی شیرازی و سپس امام خمینی (ره) که در آن زمان در نجف حضور داشت، حاضر شد (پاسدار اسلام، ۲۰۰۳، شماره ۲۶۱). مدنی در حوزه نجف در کنار تحصیل تدریس می‌کرد. کفایه، رسایل، مکاسب و درایه از جمله دروس و کتاب‌هایی بود که وی تدریس کرد. به گفته حسین راستی کاشانی، شاگردان زیادی در درس اسدالله مدنی حاضر می‌شدند.

اسدالله مدنی می‌گوید: «وقتی در نجف بودم عده‌ای از من خواستند ر ساله (توضیح المسائل) بنویسم که مخالفت کردم، برای این که مراجعی چون حضرت امام خمینی(ره) وجود داشت که باید همه از ایشان تقلید می‌کردیم (همان)».

در وصیت‌نامه به منزل همدان اشاره کرده‌اند که: «منزل همدان را دوستان همدانی با امریه مرحوم مبرور سیدنا الاستاد حضرت آیت‌الله حکیم قدس سره از سهم مبارک تهیه نموده و در اختیار من گذاشته‌اند» در منابع اشاره شده است که ایشان در قبل از انقلاب در همدان سکونت داشتند. در پنجم مرداد سال ۱۳۴۱ وی از عراق وارد همدان شد و در جریان اعتراض به تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در سخنرانی خود در مسجد جامع همدان، مردم این شهر را به حمایت از مبارزات حوزه‌ی علمیه قم فراخواند و در کنار سایر علمای همدان تلگراف اعتراض‌آمیزی نسبت به تصویب این لایحه به اسدالله علم مخابره کرد (یاران امام به روایت اسناد ساواک، آیت‌الله سید اسدالله مدنی، ۱۹۹۷-۹-۱۸-۳۸) و پس از درگذشت آیت‌الله سید محسن حکیم، مرجعیت آیت‌الله خمینی(ره) را در همدان مطرح کرد؛ به طوری که ساواک گزارش داد وی بیش از یک سوم اهالی همدان را مقلد امام کرده است (یادی از شهید محراب مدنی، پرتال امام خمینی). اوایل دی ۱۳۵۷ش در میان استقبال مردم همدان وارد این شهر شد و رهبری مبارزات ضد رژیم مردم را بر عهده گرفت. در ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ش که لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه برای سرکوبی مردم انقلابی به سمت تهران به حرکت درآمد، با دستور وی مردم کفن پوش همدان با دست خالی ضمن تقدیم شماری شهید، از حرکت تانک‌ها جلوگیری کردند (بنکدار، ۱۹۹۵). با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی وی از طرف مردم همدان به نمایندگی در این مجلس انتخاب شد (پیام انقلاب، ۱۳۶۲) و به دستور امام با اختیارات کامل به امامت جمعه‌ی این شهر منصوب شد (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۰: ۲۸۰ و ۲۸۱).

در بخشی از وصیت‌نامه، شهید مدنی به عبارت «دستور از امام» اشاره دارند: «به دستور حضرت آیت‌الله خمینی مدظله به مصرف مهم خواهد رسید» ارادات و ولایت مداری شهید مدنی از همان ابتدای مبارزات امام م شهود است. در قیام سال ۱۳۴۲ به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، آیت‌الله مدنی، جزء نخستین کسانی بود که با تعطیل کردن کلاس‌های خود در نجف و تشکیل مجالس سخنرانی، در جریان دفاع و پشتیبانی از نهضت امام به شمار می‌آمد. در اوایل دهه‌ی ۵۰ آیت‌الله مدنی در خرم‌آباد و در حوزه‌ی علمیه کمالوند، فعالیت خود را با تدریس درس خارج آغاز می‌کند و بعد از مدتی با حکم حضرت امام قدس سره، سرپرستی این حوزه را نیز بر عهده می‌گیرد و از سوی امام راحل(ره) به‌عنوان وکیل تام‌الاختیار و نماینده ایشان به روحانیون و مردم خرم‌آباد معرفی می‌گردد. پس از شهادت سید محمد علی قاضی طباطبایی، اولین شهید محراب و امام جمعه و نماینده امام در تبریز، در دهم آبان ۱۳۵۸ش با حکم امام به‌عنوان امام جمعه تبریز منصوب شد. آیت‌الله مدنی سرانجام در روز بیست شهریور ماه ۱۳۶۰ در حال اقامه نماز جمعه در محراب عبادت به دست منافقین به شهادت رسید. امام خمینی(ره) در پیامی که در همان روز خطاب به ملت ایران صادر کردند، با تسلیت شهادت این شهید بزرگوار و محکوم کردن جنایات منافقان و وابستگان

به آمریکا، به تجلیل از شخصیت آیت‌الله مدنی پرداختند و بیان فرمودند: «این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند؛ و از چهره‌های کم نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود» (امام خمینی، ۲۰۱۰، ج ۱۵: ۲۲۵ - ۲۲۷).

انواع کنش‌های گفتاری و عوامل مؤثر بر تعیین گونه‌های پنج‌گانه در وصیت‌نامه شهید مدنی

بیشترین کنش گفتاری در وصیت‌نامه شهید مدنی مربوط به کنش‌های اظهاری با ۶۵/۸۵ در صد است. همان‌طور که اشاره شد کنش اظهاری آن دسته از کنش‌های گفتار را شامل می‌شود که به نوعی دارای ارزش صدق و کذب هستند و گوینده مدعی صادق بودن آن است. اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات و مانند آن، که در آنها گوینده جهان خارج را آن گونه که باور دارد، به تصویر می‌کشد. در وصیت‌نامه شهید مدنی ۱۹/۵۱ درصد کارگفت‌ها، کارگفتی ترغیبی هستند و تعداد آنها هشت مورد است. در کنش ترغیبی، هدف گوینده اجبار یا تشویق مخاطب به انجام یا ترک کاری است. که ممکن است در قالب امر، پرسش، خواهش یا فرمان متبلور شود. از آنجا که کنش تعهدی را کنش گفتاری گویند که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند، از این‌رو در وصیت‌نامه شهید مدنی هیچ‌گونه کنش تعهدی دیده نمی‌شود. کنش عاطفی شامل گفتاری می‌شود که دیدگاه یا حالت روان شناختی گوینده نظیر لذت، تأسف و علاقه یا تنفر را بیان می‌کند. در این کنش گفتار، انطباق جهان و ذهن وجود ندارد. این گونه کنش‌ها در عذرخواهی، سرزنش، تبریک، تحسین و تشکر دیده می‌شود (حسینی معصوم، رادمد، ۲۰۱۵: ۷۱) در وصیت‌نامه شهید مدنی ۱۴/۶۳ درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص داشت و در نهایت کنش اعلامی شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود و در وصیت‌نامه شهید مدنی هیچ‌گونه کنشی از این دست دیده نشد.

جدول ۱: فراوانی انواع کنش گفتارها در وصیت‌نامه

ردیف	اظهاری (assertive)	تحریکی یا ترغیبی (directives)	التزامی یا تعهدی (commissives)	ابرازی یا عاطفی (expressives)	اعلامی یا اعلانی (declarations)	جمع کل
تعداد	۲۷	۸	-	۶	-	۴۱
درصد	۶۵/۸۵	۱۹/۵۱	-	۱۴/۶۳	-	۱۰۰

تطبیق (fit) در اصل انطباق زبان با جهان خارج است و وضع روانی (psychological state) و صی یا گوینده که در اصل به وضعیت ذهنی گوینده باز می‌گردد. این عامل به هنگام تولید یک کارگفت اظهاری باور گوینده را می‌نمایاند. برای نمونه در کارگفت‌های اظهاری آنچه گفته می‌شود، قرار است به

شکلی باشد که صدق آن را بتوان به کمک جهان خارج محک زد، در حالی که در کارگفت‌های ترغیبی هدف این است که کاری در جهان خارج صورت پذیرد و در کارگفت‌های اعلامی تغییری در شرایط مخاطب نسبت به جهان خارج پدید آید... از این رو از آنجا که بیشترین کارگفت‌ها وصیت‌نامه به کنش‌های اظهاری مربوط است و صدق گفتار وصی / شهید مدنی، بر اساس اعتقادات به مکتب تشیع صورت گرفته است و انطباق زبان وصیت‌نامه شهید مدنی با جهان خارج بیشتر منوط به همین کارگفت اظهاری است.

در تحلیل انطباق زبان وصیت‌نامه با جهان خارج باید گفت که اصل اولی در مکالمات شفاهی و کتبی انسان‌های عاقل در گزاره‌های خبری، بیان سخن واقع نمایانه است. سیره‌ی عاقلان و عرفا در بیان جمله‌های خبری چنین است. مقصود ما از سخن واقع‌نما، به ضرورت، کلام مطابق با واقع نیست؛ بلکه مقصود این است که اصل اولی در جمله‌های خبری، بیان جمله‌های واقع‌نما است که قابلیت صدق و کذب دارد. عاقلان در فهم کلام هر گوینده‌ای، این اصل را رعایت می‌کنند، مگر در مواردی که قرینه، اقتضای خلاف آن را داشته باشد. اگر گوینده‌ی عاقل و حکیمی نیز خطاب به مردم سخن می‌گوید، در بیان خود بر سیره‌ی عاقلان عمل می‌کند. این مطلب درباره‌ی خدا و کلمات وی نیز صادق است؛ زیرا: اولاً فرض این است که او، حکیم و عاقل‌ترین عاقلان است؛ بدین سبب، خلاف این سیره عمل نمی‌کند ثانیاً: شارع مقدس بارها بر تطابق مشی خود با سیره‌ی عاقلان تصریح کرده است. ثالثاً: موارد خلاف این اصل، مواردی مانند کتاب‌های رمان، شعر، داستان‌های اسطوره‌ای و امثال آن است که بنای نویسنده در این موارد بر بیان سخن غیر واقع‌نما است؛ در حالی که قرآن این گونه و صف‌ها را با صراحت از کتاب خود نفی کرده؛ بلکه واقع‌نمایی آن را هشدار می‌دهد؛ در نتیجه، مطالب شارع مقدس نیز واقع‌نما خواهد بود (ساجدی، ۲۰۰۲).

از جمله شواهد دال بر واقع‌نمایی زبان وصیت‌نامه، برداشت‌های دریافت‌کننده‌ی مستقیم وحی (پیامبر اسلام) و مفسران آن (خود پیامبر و امامان معصوم) و در نهایت علما و فقها و پیروان مکتب اهل بیت هستند. مراجعه به آثار بر جای مانده از ایشان نشان می‌دهد که رویکرد آنها با گزاره‌های قرآنی، رویکردی واقع‌نمایانه بوده است. احادیثی که آموزه‌ها و احکام فردی و اجتماعی اسلام، وصف خدا و انسان و قیامت و راه‌های نجات را بیان می‌کند، مملو از شواهدی در این زمینه است. خداوند در قرآن بر صدق گفتار خود و پیامبر خویش تأکید دارد و لازمه‌ی صدق، انطباق داشتن با واقع است. انصاف به صدق و کذب در گزاره‌هایی که زبان آنها فقط زبان اسطوره و احساسات باشد، معنا ندارد. در قضایای اسطوره‌ای و احساسی، صدق و کذب جایی ندارد. صدق و کذب در جایی معنا دارد که سخن از واقع‌نمایی باشد. ارتباط میان صدق و کذب و واقع‌نمایی، مطلبی است که مورد تأکید معتقدان به غیر شناختاری بودن زبان دین مانند ویتگنشتاین، فیلیپس و ... نیز هست. آنان می‌گویند که در قضایای دینی، از صدق و کذب نباید سخن گفت و صدق و کذب مخصوص قضایای شناختاری است (همان).

محتوا (content) به محدودیت‌هایی مربوط می‌شود که بر کارگفت‌ها حاکم‌اند. برای نمونه در وصیت‌نامه شهید مدنی خبر از کارگفت تعهدی و اعلامی نیست چرا که اساساً کارکرد تعهدی و اعلامی ندارد و وصیت‌نامه بیشتر کنش‌های اظهاری و ترغیبی و عاطفی هستند. بر اساس آنچه درباره عامل فوق گفته شد، به اعتقاد سرل، هر کارگفت دارای نکته‌ای غیر بیانی است که بر حسب وضع روانی گوینده با توجه به محتوای کارگفت، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود (کاظمی، ۲۰۱۶).

کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم در وصیت‌نامه شهید مدنی

سرل میان کاربرد مستقیم (direct) و غیرمستقیم (indirect) کارگفت‌ها تمایز قائل می‌شود. به اعتقاد وی گوینده می‌تواند مثلاً به جای استفاده از پاره‌گفتارهای امری به‌عنوان یک کارگفت ترغیبی، جمله‌ای را به کار برد که ظاهری متفاوت دارد. ولی مخاطب آن جمله را به منزله نوعی کارگفت ترغیبی در نظر گیرد:

الف) ممکن است یک لیوان آب به من بدهی؟

ب) یک لیوان آب به من بده.

نمونه‌ی الف را می‌توان کاربرد غیرمستقیم همان کارگفتی دانست که در نمونه‌ی (ب) به‌صورت مستقیم عنوان شده است. اما همیشه نمی‌توان با ساختی نظیر نمونه (الف) به کارگفت‌های مستقیمی چون مورد (ب) رسید. نمونه‌های زیر را در نظر بگیرید:

ج) ممکن است (یک روزی) برایم پیانو بزنی؟

د) می‌شود به خاطر من جایزه نوبل بگیری؟

این پاره‌گفتارها بیشتر جنبه‌ی دعایی دارند تا این که کارگفت غیرمستقیم تلقی شوند (صفوی، ۲۰۰۸: ۱۸۱).

طبق نظر سرل، برخی از پاره‌گفتارها بیشتر جنبه‌ی دعایی دارند (مانند نمونه‌های ج و د) و به نظر نمی‌آید که کارگفت باشند. به عبارت دقیق‌تر درک کارگفت مستقیم از طریق یک کارگفت غیرمستقیم مبتنی بر بافت موقعیتی است و از دانش درون زبانی قابل تعیین نمی‌نماید (کاظمی، ۲۰۱۶).

به نظر می‌رسد در وصیت‌نامه شهید مدنی، در بخش پایانی آن کارگفت غیرمستقیم دیده می‌شود که اشاره به ادای قرض است «این مقدار قرض دارم و برای ورثه بدون ادا». این کارگفت هم کارگفت تعهدی است و هم ترغیبی. تعهد به داشتن قرض و ترغیب به ادای آن توسط ورثه و در این که آیا دستور به ادای آن است یا خواستن برای پرداخت به نحوی کارگفت غیرمستقیم. در توضیح آن باید گفت که اصولاً ورثه مسئولیتی در قبال تعهدات، دیون و سایر الزامات مورث ندارد، زیرا هر کس مسئول ایفای تعهدات خود در برابر دیگران است و شخصیت انسان که می‌تواند در برابر دیگران صاحب حق و تکلیف شود، با فوت او از بین می‌رود. با وجود این، اگر از مورث مالی به جا بماند و ورثه ترکه را قبول کنند، مسئولیت تصفیه ترکه بر عهده آنها قرار می‌گیرد؛ ولی اگر ترکه را رد کنند، تصفیه ترکه با دادگاه خواهد

بود و مسئولیتی متوجه ورثه نمی‌شود. قبول ترکه توسط ورثه، کفایت ترکه نسبت به دیون است و با اعلام آن، ورثه به‌طور ضمنی، متعهد به ادای دیون متوفی از محل ترکه می‌شوند؛ اما اگر ترکه برای ادای دیون کافی نباشد، وارثی که آن را قبول کرده، با اثبات این امر، تکلیفی نسبت به ادای دین مازاد بر میزان ترکه نخواهد داشت (صادقی، ۲۰۰۳: ۷۳).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت چنین به‌دست می‌آید که نظریه کنش‌گفتاری در تحلیل و وصیت‌نامه‌ها از جمله وصیت‌نامه شهید مدنی قابل تطبیق و کارآمد است. این مقاله در صدد برآمد تا ابتدا بافت تاریخی وصیت‌نامه را بر اساس متن وصیت‌نامه تبیین کند و سپس به شناسایی انواع کنش‌گفتارها در وصیت‌نامه پرداخت و بسامد آنها را نیز مشخص نمود که نتایج زیر به‌دست آمد. از بین ۴۱ کنش‌گفتاری بیشترین کنش‌گفتاری در وصیت‌نامه شهید مدنی مربوط به کنش‌های اظهاری با ۶۵/۸۵ درصد بود. شهید مدنی با استفاده از افعال کنش‌اظهاری، در ابتدا تلاش می‌کند اهمیت و جایگاه گزاره‌های صدق‌پذیر را برای خوانندگان تصریح نماید. زیرا به بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرآیند می‌پردازد و نویسنده در متن می‌گوید مباحث مورد نظر را برای مخاطب خود ملموس و قابل فهم و برداشت نماید. بسامد بالای این کنش در متن وصیت‌نامه شهید، نشان می‌دهد که وی تلاش دارد با استفاده از این کنش، پدیده‌های جهان را آن‌گونه که باور دارد تصویر کند، مثل توحید، نبوت، امامت، معاد و... همچنین در وصیت‌نامه ایشان هشت مورد کارگفت‌ها معادل ۱۹/۵۱ درصد، کارگفت‌ترغیبی بودند. هدف از کارگفت‌های ترغیبی، ترغیب مخاطب برای انجام کاری و قرار دادن وی در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است. از این‌رو شهید مدنی در صدد است تا مخاطبان خود را ترغیب به ادای دین کند. ۱۴/۶۳ درصد از کنش‌ها به کنش‌های عاطفی اختصاص داشت و همان‌طور که عرض شد، از آنجا که کنش‌تعهدی را کنش‌گفتاری گویند که گوینده را متعهد به انجام کاری در آینده می‌کند، از این‌رو در وصیت‌نامه شهید مدنی به نظر می‌رسد کنش‌تعهدی نبود. در نهایت کنش‌اعلامی شامل کنش‌های گفتاری است که به محض بیان آنها تغییراتی واقعی در جهان خارج ایجاد می‌شود و در وصیت‌نامه شهید مدنی از این نوع کنش‌ها نیز دیده نشد.

پیوست‌ها

عزراة بنیامین الربیع
 الحمد لله الاول قبل الاصل بعد الاخر بعدنا والاول
 و جعلی علی طر علمه نور وادها علی الاعیان
 اما بعد چون اینست از آنکه در کتاب چهارم و پنجم
 این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 آن وقت سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 فرزند سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 در جمع اینها و در مکتب و تالیف و بعد از آن
 لغت سبکیم که اینان بنمای قرآن جل جلاله دانستند و چون
 سربست اندر حال مقام گویا است که اینها را این
 و این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 حضرت در این مکتب و تالیف و بعد از آن
 در جمع اینها و در مکتب و تالیف و بعد از آن

قسمتی از وصیت نامه

حق این که بزرگوار کرد که در این روزها را عدت کرد و این
 و این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 در جمع اینها و در مکتب و تالیف و بعد از آن
 فرزند سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 در جمع اینها و در مکتب و تالیف و بعد از آن
 لغت سبکیم که اینان بنمای قرآن جل جلاله دانستند و چون
 سربست اندر حال مقام گویا است که اینها را این
 و این سربست را در مکتب و تالیف و بعد از آن
 حضرت در این مکتب و تالیف و بعد از آن
 در جمع اینها و در مکتب و تالیف و بعد از آن

Note

References

- Abdullahi, Mohammad Ali (2005). “Theory of Speech act”, Theological-Philosophical Researches, 1384, No. 24. (In Persian)
- Abedini, Javad (2019). *Searle and humanities, Philosophical analysis of social reality from John Searle's point of view and its consequences for humanities*, Hozha Research Institute and University. (In Persian)
- Bankdar (1995). *The First Martyr of the Altar*, Hamadan Quarterly, No. 1,
- Companions of the Imam according to the documents of Savak, (1997). “Ayatollah Seyyed Asadullah Madani”. (In Persian)
- Estehbanati, Lida (2016). *Analysis of speech acts of some contemporary political texts*, master's thesis in linguistics, Faculty of Foreign Languages, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Hosseini Masoum, Seyed Mohammad and Radmard, Abdullah (2014). “The effect of temporal-spatial context on speech act analysis; Comparison of the abundance of speech acts in the Meccan and Madani surahs of the Holy Qur'an”, language essays, 6th cycle, number 3, serial 24, (Mardad and Shahrivar. (In Persian)
- <http://www.farhangionline.ir/article/4032>
- <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n31068>
- <https://www.plato.stanford.edu/entries/speech-acts/>
- <https://www.vajehyab.com/dehkhoda>
- Imam Khomeini, Ruhollah (2010). *Sahifa Imam*, Imam Khomeini Writing and Publishing Institute, Tehran. (In Persian)
- Kashkouli, Mohammad Hossein and Eslami Tannah, Asghar (2019). “Analysis of the speech acts of the martyr Lieutenant General Qassem Soleimani's will”, series of international conferences on the second step of the Islamic Revolution, article 56, period 2, the second international conference on the second step of the revolution- serial number 2: 1-30. (In Persian)
- Kazemi, Forough (2013). “a research on Nahj al-Balagheh from the perspective of linguistic theory”, two scientific-research quarterly Sahifeh Mobin, number 55, year 20, spring and summer: 38-7. (In Persian)
- Pasdaran Islam (2003). No. 261. (In Persian)
- Payam Elkhebal (1983). No. 175. (In Persian)
- Safavi, Korosh (2008). *An introduction to semantics*, Tehran, Surah Mehr. (In Persian)
- Sajdi, Abulfazl (2013). *Realization of religious propositions*, Qobsat number 25. (In Persian)
- Saneipour, Mohammad Hassan (2012). *Basics of discourse analysis in the Holy Quran*, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian)
- Searle, John (1969). *Speech Acts*, an Essay in the Philosophy of Language, Cambridge University Press.
- Tobe Yani, Ebrahim; Tabatabai Lotfi, Seyyed Abdul Majid and Rezaei, Ruhollah (2018). “Analysis of the verbal actions of Imam Khomeini's will based on Searle and Austin's model”, Political Science (Baghral Uloom), 22nd summer year, number 86. (In Persian)

-
- Vaezi, Ahmed (2001). *An introduction to hermeneutics*, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)